حسادت در کودکان

بیابانی- حسادت در کودکان در سنین پیش دبستانی، امری طبیعی است و والدین نباید آن ها را سرزنش کنند. یک دکتر کی روانشناسی کودک در ایران باید گفت که تولد یک نوزاد جدید در خانواده و توجه والدین و بستگان به او حسادت کودک را بر می انگیزد. دکتر عباس نسایان، ادامه داد: کودکی که تاکنون تنها فرزند خانواده و مورد توجه والدین بوده است، با تولد خواهر یا برادر مدتی دچار مشکلات رفتاری می شود و گاهی اوقات همین مشکلات کوچک می تواند باعث بروز مشکلات عاطفی دیگر شود. وی افزود: هوشیاری پدر و مادر و توجه طبیعی به کودک بزرگ تر تا اندازه زیادی، مشکل را حل می کند و حسادت را به مرور از بین می برد، به ویژه پدر می تواند در سازگاری که مادر مشغول مراقبت از کودک تازه وارد است به کودک بزرگ تر توجه بیشتری داشته باشد. این دکتر روانشناس، تاکید کرد: بزرگسالان و مربیان باید از مقایسه کودکان با یکدیگر و تعریف بیش از اها می دهند: برخی از اعضای محل در بر پایی مراسم عزاداری دهه نخست محرم مشارکت می کردند و یا مبل و رغبت خودشان و هر اندازه که توان مالی آن ها اجازه می داد، مبلغی به حسینیه ها کمک می کردند تا بتوانند بخشی از هزینه های پذیرایی از میهمانان آقا ابدا... الحسین(ع) را فراهم کنند. وی شور و شوق جوانان را برای بستن پرده ها و سیاه پوش کردن شبکه ها در زمان گذشته وصف ناپذیر عنوان می کند و می افزاید: هم محله ای ها با همفکری هم، امور مربوط به آماده سازی حسینیه ها و تکیه ها را انجام می دادند، عده ای کار نظافت را بر عهده می گرفتند و برخی اهالی محل، چند روز مانده به محرم از بزرگان و بازاران قدر اعلام حسین (ع) را می دادند و این کار تا روز عاشورا ادامه داشت. وی با بیان این که در زمان گذشته در بحبوحه فقط ۷ هیئت عزاداری وجود داشت، اظهار می دارد: در آن زمان ۴۰ حسینیه وجود داشت که فقط به مردم طعام می دادند. نخست شب روحانی درباره واقعه عاشورا و عزاداری امام حسین (ع) سخنرانی می کرد و پس از آن به حاضران طعام داده می شد. وی اشاره به دسته روی در این حسینیه ها را نیز از یاد نمی برد و می گوید: بعد از این که مراسم طعام دادن در این حسینیه ها تمام می شد دسته های عزاداری در خیابان حرکت می کردند و با ذکر نوحه به عزاداری و زنجیر زنی می پرداختند.

دسته روی در خیابان

وی به دسته روی هیئت ها در ۱۰ شب نخست ماه محرم اشاره و بیان می کند: این دسته روی ها تا شب تاسوعا وجود داشت و روز عاشورا نیز دسته ها به خیابان ها می آمدند؛ سینه زنی، زنجیر زنی و نوحه خوانی می کردند و بعد از ظهر ها و مسجدها می رفتند و همه ۷ هیئت عزاداری در مسجد جامع شهر جمع می شدند، یکی از روحانیان آن زمان به نام مرحوم حاج آقا مرتضوی، درباره وقایع عاشورا صحبت می کرد و پس از آن هیئت ها پراکنده می شدند و به سوی حسینیه ها می رفتند. این شهروند قدیمی شهر بزق می گوید: در آن زمان از این گونه مراسم ها خبری نبود و نحوه خوان ها باید با صدای بلند نوحه خوانی می کردند، همچنین عزاداران به ۲ گروه تقسیم می شدند که یک گروه زنجیر و گروه دیگر سینه می زدند. همچنین ۲ گروه دَم و پاره دَم؛ وجود داشت که پاره دم ها شعری را می خواندند و گروه دم به آن پاسخ می دادند. وی رونق عزاداری ها را در زمان گذشته از شب هفتم محرم به بعد اعلام می کند و می گوید: از شب عزاداری با حضور همه اهل محل انجام می شد اما از شب هفتم به بعد رنگ و بویی خاص می گرفت و حضور مردم به ویژه خانم ها نیز در این مراسم بیشتر می شد. وی علت داغ بودن این مراسم را سنه شدن آب از روز هفتم محرم به روی فرزندان پیامبر اکرم(ص) ذکر می کند. به گفته وی بیشتر توجه هایی که در این شب خوانده می شد، مربوط به تهیه آب و لب تشنگی یاران امام حسین(ع) بود. «مهربانا» ادامه می دهد: در هر یک از شب های ماه محرم به ذکر نوحه و روایت درباره یکی از یزرگان و یاران اقرار قدر امام حسین (ع) پرداخته می شد. وی خاطر نشان می کند: در شب تاسوعا نیز به ذکر روایت هایی درباره حضرت ابوالفضل(ع) پرداخته می شد که بسیار پر سوز و گداز بود.

دسته روی در خیابان

وی به دسته روی هیئت ها در ۱۰ شب نخست ماه محرم اشاره و بیان می کند: این دسته روی ها تا شب تاسوعا وجود داشت و روز عاشورا نیز دسته ها به خیابان ها می آمدند؛ سینه زنی، زنجیر زنی و نوحه خوانی می کردند و بعد از ظهر ها و مسجدها می رفتند و همه ۷ هیئت عزاداری در مسجد جامع شهر جمع می شدند، یکی از روحانیان آن زمان به نام مرحوم حاج آقا مرتضوی، درباره وقایع عاشورا صحبت می کرد و پس از آن هیئت ها پراکنده می شدند و به سوی حسینیه ها می رفتند. این شهروند قدیمی شهر بزق می گوید: در آن زمان از این گونه مراسم ها خبری نبود و نحوه خوان ها باید با صدای بلند نوحه خوانی می کردند، همچنین عزاداران به ۲ گروه تقسیم می شدند که یک گروه زنجیر و گروه دیگر سینه می زدند. همچنین ۲ گروه دَم و پاره دَم؛ وجود داشت که پاره دم ها شعری را می خواندند و گروه دم به آن پاسخ می دادند. وی رونق عزاداری ها را در، شب هفتم محرم به بعد اعلام می کند و می گوید: از شب عزاداری با حضور همه اهل محل انجام می شد اما از شب هفتم به بعد رنگ و بویی خاص می گرفت و حضور مردم به ویژه خانم ها نیز در این مراسم بیشتر می شد. وی علت داغ بودن این مراسم را سنه شدن آب از روز هفتم محرم به روی فرزندان پیامبر اکرم(ص) ذکر می کند. به گفته وی بیشتر توجه هایی که در این شب خوانده می شد، مربوط به تهیه آب و لب تشنگی یاران امام حسین(ع) بود. «مهربانا» ادامه می دهد: در هر یک از شب های ماه محرم به ذکر نوحه و روایت درباره یکی از یزرگان و یاران اقرار قدر امام حسین (ع) پرداخته می شد. وی خاطر نشان می کند: در شب تاسوعا نیز به ذکر روایت هایی درباره حضرت ابوالفضل(ع) پرداخته می شد که بسیار پر سوز و گداز بود.

پرهیز از سوگند خوردن

قرآن کریم می فرماید: پیروی مکن پر سوگند خور پست را؛ یعنی هر جا مردمی را دیدید که سوگند زیاد می خورند آن را نشانه پستی و حقارت آن ها بدانید. حتی به راست هم انسان نباید قسم بخورد و نام های مقدس خدا و بندگان شایسته او را حقیر و کوچک بشمارد تا چه رسد به دروغ، حضرت علی (ع) فرمود: عادت به سوگند خوردن پیدا نکن که آدم پر سوگند از گناه در امان نیست. و در جای دیگری می فرماید: از پستی انسان دروغگو همان بس که به آسانی سوگند می خورد بدون آن که فردی او را قسم دهد. اگر انسان خودش دارای یک شخصیت اخلاقی باشد و خودش به خودش اعتماد داشته باشد و دیگران هم او را به این ویژگی بشناسند نیازی به قسم خوردن نیست، به طور معمول آدم‌های شده است؛ یکی دروغ گفتن و دیگر امر مقدسی را به دروغ آلودن. مثال اگر فردی به دروغ می گوید این جنس را به عنوان مثال به این مقدار خریده ام اما در اثر گرو این حرف قرار می دهد و این بی احترامی و گناهی است بزرگ. قرآن و اسلام این گونه قسم ها را به شدت منع کرده است.

دسته روی در خیابان

وی به دسته روی هیئت ها در ۱۰ شب نخست ماه محرم اشاره و بیان می کند: این دسته روی ها تا شب تاسوعا وجود داشت و روز عاشورا نیز دسته ها به خیابان ها می آمدند؛ سینه زنی، زنجیر زنی و نوحه خوانی می کردند و بعد از ظهر ها و مسجدها می رفتند و همه ۷ هیئت عزاداری در مسجد جامع شهر جمع می شدند، یکی از روحانیان آن زمان به نام مرحوم حاج آقا مرتضوی، درباره وقایع عاشورا صحبت می کرد و پس از آن هیئت ها پراکنده می شدند و به سوی حسینیه ها می رفتند. این شهروند قدیمی شهر بزق می گوید: در آن زمان از این گونه مراسم ها خبری نبود و نحوه خوان ها باید با صدای بلند نوحه خوانی می کردند، همچنین عزاداران به ۲ گروه تقسیم می شدند که یک گروه زنجیر و گروه دیگر سینه می زدند. همچنین ۲ گروه دَم و پاره دَم؛ وجود داشت که پاره دم ها شعری را می خواندند و گروه دم به آن پاسخ می دادند. وی رونق عزاداری ها را در، شب هفتم محرم به بعد اعلام می کند و می گوید: از شب عزاداری با حضور همه اهل محل انجام می شد اما از شب هفتم به بعد رنگ و بویی خاص می گرفت و حضور مردم به ویژه خانم ها نیز در این مراسم بیشتر می شد. وی علت داغ بودن این مراسم را سنه شدن آب از روز هفتم محرم به روی فرزندان پیامبر اکرم(ص) ذکر می کند. به گفته وی بیشتر توجه هایی که در این شب

پرهیز از سوگند خوردن

قرآن کریم می فرماید: پیروی مکن پر سوگند خور پست را؛ یعنی هر جا مردمی را دیدید که سوگند زیاد می خورند آن را نشانه پستی و حقارت آن ها بدانید. حتی به راست هم انسان نباید قسم بخورد و نام های مقدس خدا و بندگان شایسته او را حقیر و کوچک بشمارد تا چه رسد به دروغ، حضرت علی (ع) فرمود: عادت به سوگند خوردن پیدا نکن که آدم پر سوگند از گناه در امان نیست. و در جای دیگری می فرماید: از پستی انسان دروغگو همان بس که به آسانی سوگند می خورد بدون آن که فردی او را قسم دهد. اگر انسان خودش دارای یک شخصیت اخلاقی باشد و خودش به خودش اعتماد داشته باشد و دیگران هم او را به این ویژگی بشناسند نیازی به قسم خوردن نیست، به طور معمول آدم‌های شده است؛ یکی دروغ گفتن و دیگر امر مقدسی را به دروغ آلودن. مثال اگر فردی به دروغ می گوید این جنس را به عنوان مثال به این مقدار خریده ام اما در اثر گرو این حرف قرار می دهد و این بی احترامی و گناهی است بزرگ. قرآن و اسلام این گونه قسم ها را به شدت منع کرده است.

سوگند لغو

اما سوگند لغوآن سوگندی است که دارای هدف مشخصی نیست و ارزوی آراده سر نمی زند، بلکه بدون توجه به عنوان تکیه سخن والله، بالله و مانند آن به عنوان مثال نام خدا را بر زبان جاری می کند و یا در حال هیجان شدید و خشم و غضب این کلمات از او شنیده می شود. این گونه قسم‌ها، سوگندهای لغو و بیهوده است که مجازات شرعی ندارد. خداوند شما را در برابر سوگندهای لغو، گیفر و مجازات نمی کند.

سوگند دروغ

سوگند دروغ، گناه اندر گناه است؛ یعنی فردی که به دلیل آن که دروغی را به کرسی بنشاند قسم یاد می کند. این فرد ۲ گناه مرتکب شده است؛ یکی دروغ گفتن و دیگر امر مقدسی را به دروغ آلودن. از عهده مثال اگر فردی به دروغ می گوید این جنس را به عنوان مثال به این مقدار خریده ام اما در اثر گرو این حرف قرار می دهد و این بی احترامی و گناهی است بزرگ. قرآن و اسلام این گونه قسم ها را به شدت منع کرده است.

سوگند راست

سوگند راست و قسم شرعی آداب و شکل ویژه ای دارد که باید فقط به اسم خدا باشد، آن هم به گونه ای خاص و اگر فردی این گونه قسم یاد کرد آثار شرعی دارد، مانند احکامی که در باب قضا بر آن بار می شود و قانون جزو موازین قضاوت اسلامی است. قسم هایی که شرعی و از شیعه خوانی با تغزیه‌های کنونی

محرم

محرم دل‌های حسینی

نوشتاری از امام جمعه

۲ هیئت در روز عاشورا شبیه خوانی داشتند که با شبیه خوانی در تمام ایران متفاوت بود. به گونه ای که همان گونه که به سوی حسینیه حرکت می کردند در راه شبیه خوانی نیز می خواندند. وی به این افزاید: گروه شبیه خوانی آن ها به ۳ دسته «اشقیا» و «اولیا» تقسیم شده بود که گروه «اشقیا» با لباس قرمز؛ سوار بر اسب و گروه «اولیا» با لباس سبز سوار بر اسب بودند و فردی که نقش حر را بازی می کرد، لباس زرد بر تن داشت، «حبیب بن مظاهر» نیز لباس سفید بر تن می کرد و شبیه خوانی می کردند. کاروان های عشایر نیز در این کار به هیئت های مذهبی کمک می کردند به گونه ای که شترهایشان را که برای بیلاق و قشلاق از آن استفاده می کردند، در اختیار هیئت های عزاداری قرار می دادند تا بتوانند برای مراسم شبیه خوانی از آن ها استفاده کنند و بچه های کوچک سوار این شترها می شدند و به عنوان اسرای کربلا به دنبال گروه شبیه خوانی حرکت می کردند و حالت حزن انگیزی را برای بینندگان ایجاد می کردند. این شهروند کهنسال، مراسم شبیه خوانی را در آن زمان بی نظیر توصیف می کند و می گوید: در نمایش های شبیه خوانی، تخت روان هایی درشت می شد که چند نفر آن را روی دوش می گرفتند و در آن بارگاه یزید و گهواره حضرت «علی اصغر(ع)» تعبیه شده بود تا در حرکت دادن به طور محسوس حرکت می کردند و به سمت معصوم زاده ها می رفتند و در طول یک ساعت و نیم تا ۲ ساعت کل وقایع عاشورا نمایش داده می شد. به گفته وی این گونه مراسم در زمان طاغوت ممنوع شد و سال های سال از شبیه خوانی محروم شدیم اما در روستاها به این کار «اندرام» ها به مراسم مختلف عزاداری می رفتند و با عزاداران برخود به می کردند اما این مراسم در روستاهایی مانند «بدرانلو» و «فیروز» تعطیل نشد و آن را به فرهنگی که بود، برگرار می کردند.

سهم الارث همسر

علوی- خوانندگان عزیز روزنامه خراسان شمالی می توانند سوالات حقوقی خود را طی تماس با دفتر روزنامه مطرح کنند تا پاسخ آن ها را از کارشناسان جویا شویم. در این شماره ابتدا همیشه هنگام سخنی به یاد آب تشنگی های سالار شهیدان بیفتد. وی می افزاید: دسته های عزاداری هر شب به خیابان ها می آمدند و مردم به ویژه بانوان با فانوس هایی که در دست داشتند کنار خیابان می ایستادند و عزاداری را تماشا می کردند و اشک می ریختند. در شب آخر نیز همه دسته ها و هیئت های مذهبی به سوی آستانه بیشتاب سید عباس(ع) می رفتند و ادامه عزاداری ها را در آن جا انجام می دادند. یکی دیگر از شهروندان که بحثی از منزل شان به عنوان حسینیه استفاده می شود، عزاداری هر شب به خیابان ها می آمدند و مردم به پذیرایی از میهمانان آقا امام حسین(ع) کمک های نقدی و نذرهای خود را به این حسینیه می آوردند و زمان قدیم دختر و پسر داشته باشد ارث می برند و در فرض سوال نیز زن شخص متوفی به حکم مواد ۹۱۳ و ۹۰۱ از قانون فوق با بودن اولاد تا ثمن (یک هشتم) ترکه ارث می برد. در نتیجه از آن جا که قواعد و مقررات مربوط به ارث از قواعد و مقررات آمره محسوب می شود یعنی توافق و یا تصمیمی خلاف آن از منظر شریعت اسلام و کمک اهالی، جلیم می بزد و چندین ساعت آن را با چیزی که به اصطلاح به آن «چمه» می گویند، هم می پزند تا خوب جا بیفتد و گوشت آن کش بیاید. وی حضور جوانان را در هیئت های مختلف مذهبی مایه مسرت می داند و می گوید: از این که می بینم هم سالا به تعداد جوانان و نوجوانان اضافه می شود که با شور و شوقی خاص در این گونه مراسم شرکت می کنند، لذت می برم و امیدوارم راه امام حسین(ع) را چه هایی به همگی ما باشد و ادامه دهنده راهش باشیم.

روایتی جدید

وی روز سوم بعد از واقعه عاشورا نیز اشاره می کند و می گوید: در روز سوم عده ای از جند هیئت شاخص شهر، بیل و کلنگ در دست می گرفتند و نقش قبیله «بنی اسد» را بازی می کردند که طایفه ای بودند که در روز سوم پس از واقعه عاشورا به کربلا رفتند و در دفن پیکرهای شهدای عاشورا به امام زمن العابدین(ع) کمک کردند. وی بیان می کند: پس از آن نیز برنامه هیئتی ها با در حسینیه برگزار می شد تا زمانی که اربعین حسینی فرا می رسید که در آن روز هم عزاداری می کردند. اما برای ۲۸ سفرکه به آن چهل و هشتم می گفتند، هیئت های عزاداری به مشهد می رفتند و اکنون حدود ۶۰ سال است که مردم این روبه را در پیش گرفته اند با این تفاوت که در آن زمان فقط ۷ هیئت بود اما اکنون حدود ۱۰۰ هیئت به عزاداری سالار شهیدان می پردازند.

«مرتضوی» یکی دیگر از شهروندان کهنسال نیز درباره عزاداری امام حسین(ع) در زمان قدیم عنوان می کند: در زمان گذشته هر هر منطقه یا محله به یک حسینیه یا تکیه می رفتند و برای هر گدام از آن ها کارهایی مشخص شده بود تا نوبت دهند، به طور معمول جوان‌ترها نظافت مسجدها و حسینیه ها را به دست می گرفتند و از ساعت ۲ یا سه بعد از ظهر تقسیم می کردند و بزرگ تر ها و ریش سفیدها نیز امور اموری مانند خرید مواد خوراکی، نظم دادن به دسته ها و هیئت های عزاداری را انجام می دادند. وی از علم کردن پرچم های عزاداری در هر حسینیه نیز یاد می کند و می گوید: به یاد امام حسین(ع) پرچم هایی به رنگ سیاه و سرخ در همه جای حسینیه ها خیمه می کرد، گاهی اوقات نیز در برخی حسینیه ها خیمه های بزرگ تری برپا می شد و در گوشه هایی از آن مشک سوراخ شده آب را به یاد سقای کربلا می گذاشتند تا نسل همیشه هنگام سخنی به یاد لب تشنگی سالار شهیدان بیفتد. وی می افزاید: دسته های روز سوم پس از واقعه عاشورا به کربلا رفتند و در دفن پیکرهای شهدای عاشورا به امام زمن العابدین(ع) کمک کردند. وی بیان می کند: پس از آن نیز برنامه های عزاداری هفته ای یک شب در خانه یکی از هم هیئتی ها با در حسینیه برگزار می شد تا زمانی که اربعین حسینی فرا می رسید که در آن روز هم عزاداری می کردند. اما برای ۲۸ سفرکه به آن چهل و هشتم می گفتند، هیئت های عزاداری به مشهد می رفتند و اکنون حدود ۶۰ سال است که مردم این روبه را در پیش گرفته اند با این تفاوت که در آن زمان فقط ۷ هیئت بود اما اکنون حدود ۱۰۰ هیئت به عزاداری سالار شهیدان می پردازند.

«مرتضوی» یکی دیگر از شهروندان کهنسال نیز درباره عزاداری امام حسین(ع) در زمان قدیم عنوان می کند: در زمان گذشته هر هر منطقه یا محله به یک حسینیه یا تکیه می رفتند و برای هر گدام از آن ها کارهایی مشخص شده بود تا نوبت دهند، به طور معمول جوان‌ترها نظافت مسجدها و حسینیه ها را به دست می گرفتند و از ساعت ۲ یا سه بعد از ظهر تقسیم می کردند و بزرگ تر ها و ریش سفیدها نیز امور اموری مانند خرید مواد خوراکی، نظم دادن به دسته ها و هیئت های عزاداری را انجام می دادند. وی از علم کردن پرچم های عزاداری در هر حسینیه نیز یاد می کند و می گوید: به یاد امام حسین(ع) پرچم هایی به رنگ سیاه و سرخ در همه جای حسینیه ها خیمه می کرد، گاهی اوقات نیز در برخی حسینیه ها خیمه های بزرگ تری برپا می شد و در گوشه هایی از آن مشک سوراخ شده آب را به یاد سقای کربلا می گذاشتند تا نسل همیشه هنگام سخنی به یاد لب تشنگی سالار شهیدان بیفتد. وی می افزاید: دسته های عزاداری هر شب به خیابان ها می آمدند و مردم به ویژه بانوان با فانوس هایی که در دست داشتند کنار خیابان می ایستادند و عزاداری را تماشا می کردند و اشک می ریختند. در شب آخر نیز همه دسته ها و هیئت های مذهبی به سوی آستانه بیشتاب سید عباس(ع) می رفتند و ادامه عزاداری ها را در آن جا انجام می دادند. یکی دیگر از شهروندان که بحثی از منزل شان به عنوان حسینیه استفاده می شود،